روزنامه شرق

سیاست

کی‌روش» و کفاشیان «راند» اول، بی‌نتیجه — صفحه ۸

۱۰ دیوانه برتر تاریخ فوتبال — صفحه ۸

تازه‌های نشر گمان، هدهد و بوف‌کور — صفحه ۱۰

عکس: امیرجدیدی، شرق

مرعشی در گفت‌وگو با «شرق» اعلام کرد

برنامه جدی «کارگزاران» برای انتخابات مجلس

مرجان توحیدی: تا قبل از انجام مصاحبه خودم را برای یک گفت‌وگوی چالشی آماده کرده بودم. قرار بود با سیدحسین مرعشی درباره حزب کارگزاران و انتقادهای وارد به آن صحبت کنم. تصورم این بود که او نقدها را نخواهد پذیرفت و در این صورت کار سختی پیش‌رو خواهم داشت. اما به رغم تصور اولیه و بی‌آنکه چالش جدی در بگیرد، مرعشی، که قبلا سخنگوی حزب هم بود و البته از اعضای هیات موسس هم به شمار می‌رود، در نهایت آرامش، عمده نقدها را پذیرفت و قبول کرد. کارگزاران که از سال ۱۳۷۴ تاسیس شده است تا به حال نه کنگره‌ای برگزار کرده و نه فعالیت تشکیلاتی گسترده داشته است. با این حال به دلیل حضور چهره‌های شاخص در آن از خرداد ۷۶ تا به حال به یکی از احزاب اثرگذار در فضای سیاسی کشور تبدیل شده است. هرچند که این تاثیر بیشتر نشات‌گرفته از بدنه اصلی یعنی همان چند نفر اعضای شورای مرکزی بوده تا یک بدنه هوادار جدی یا یک تشکیلات گسترده قوی. اما از آغاز دولت روحانی زمزمه‌هایی از تجدید سازمان حزب شنیده شده است. با مرعشی در این‌باره به گفت‌وگو نشستیم و علت این تاخیر زمانی برای کار تشکیلاتی حرفه‌ای را جویا شدیم. مرعشی در این گفت‌وگو پذیرفت که حزب در این سال‌ها فعالیت تشکیلاتی نداشته و حالا حاضر شده است که آن کاستی‌ها را جبران کرده و تشکیلات خود را بازسازی کند. به‌گفته مرعشی جایگاه شخصی و موقعیت اعضای شورای مرکزی و هیات موسس در سال‌های گذشته آنها را از اینکه بخواهند به سمت جمع‌کردن عِده و عُده اجتماعی باشند، بی‌نیاز می‌کرد و این به لحاظ تفکر حزبی، تفکر درستی نبوده است. او می‌گوید که طی هشت‌سال گذشته و آنچه بر احزاب گذشته، خیلی نکات برای حزب روشن شده است. مرعشی دلیل بازسازی حزب بعد از تقریبا ۲۰سال از تاسیس آن را گرایش بیشتر مردم به کارگزاران و تحزب می‌داند. ماحصل این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

یک‌سال از پیروزی آقای روحانی در انتخابات ریاست‌جمهوری گذشته، برداشت شما به‌عنوان سخنگوی سابق حزب کارگزاران از عملکرد یک ساله دولت چیست؟ در چه حوزه‌هایی موفق بود و اگر نقطه ضعفی داشته، علت آن چیست؟

۲۴ خرداد ۹۲ از نظر بنده یک نقطه عطف بود. در واقع ما در مسیری قرار گرفته بودیم که نمی‌توانستیم از حقوق ملی خود در عرصه بین‌المللی دفاع کنیم. از سوی دیگر شیطنت‌ها، کینه‌توزی‌های خارجی و وجود مخالفان سرسختی به نام صهیونیست‌ها در منطقه، در کنار اشتباهات و ندانم‌کاری‌های داخلی باعث شده بود که به‌طور نسبی، اجماعی علیه ایران ایجاد شود. اما امروزه با پشت‌سرگذاشتن این شرایط ما در آستانه دستیابی به یک توافق بزرگ با جهان هستیم و این دستاورد بزرگی است که در این دولت حاصل شده. در عرصه فرهنگی و اجتماعی هم مردم از آرامش بیشتری برخوردار هستند، در عرصه اقتصادی و مدیریتی، مدیران لایق به عرصه بازگشته‌اند. همچنین حرف نخبگان از سوی دولت شنیده می‌شود. علاوه بر اینکه در این مدت سیاست‌های درستی برای کشور اتخاذ شده است. اینها، همه دستاوردهای مهم دولت در همین دوره کوتاه است. به نظر من طبیعی است، زمانی که خردمندان و عقلا و صاحبان تجربه یک کشور به عرصه مدیریت بازگردند، شرایط به سمت بهبودی برود. اگر انتقادی هم هست، انتقاد در حوزه‌هایی است که دولت باید برای تکمیل این حلقه‌های موفقیت خود، اقدامات موثرتری کند.

به‌نظر شما دولت در یک‌سال گذشته در چه بخش‌هایی ضعیف عمل کرده است؟

برخی از این انتقادات به حوزه سیاست داخلی برمی‌گردد. به نظر من، وزیر کشور دل در گرو اردوگاه پیروز انتخابات ۹۲ ندارد، دغدغه و اولویت او با دغدغه، اولویت و معدل جبهه پیروز فاصله دارد. طبیعی است که این موضوع برای پیکره سیاسی کشور نویدبخش و امیدبخش نبوده است. در حوزه مجلس هم انتقاداتی وارد است. دولت گذشته دو برخورد چکشی و تند با مجلس انجام داده بود که جلو مداخلات نمایندگان در عرصه داخلی و مدیریتی را گرفته بود و دیگر اینکه اساسا مجلس را فاقد جایگاه دانسته و آن را از مدار مسایل اصلی کشور خارج کرده بود. دولت آقای روحانی و شخص ایشان برای بازسازی جایگاه مجلس و توجه به نقش آن اقدامات مهمی انجام داد. اما این اقدامات نباید منجر به این شود که نمایندگان بخواهند در مسایل اجرایی و مدیریتی کشور و استان‌ها دخالت مستقیم داشته باشند. این نقدی است که نه به خود رییس‌جمهور اما به برخی از وزرا وارد است که آنها از اختیارات خودشان در مقابل دخالت‌های نابجای برخی نمایندگان دفاع نکردند. این موضوع را نقد می‌کنیم تا دولت متوجه شود که باید در جایگاه خود استقلال داشته باشد؛ همان‌طوری که مجلس در قانونگذاری مستقل است و هر دو قوه باید در اجرای وظایف خود مختار باشند.

می‌خواهیم از منظر دیگری به این موضوع نگاه کنیم. شاید همه تقصیر هم بر دوش مخالفان دولت نباشد، شاید بخشی از این اشکالات به این موضوع بازمی‌گردد که اصلاح‌طلبان در طول این سال‌ها و به‌ویژه سال‌های اصلاحات نتوانستند با کادرسازی از طریق احزاب و گروه‌ها روند ورود افراد را به سطوح قدرت و مدیریت تغییر دهند. شاید اگر روند تحزب به‌درستی پیش رفته بود، وضعیت الان به گونه دیگری بود؟

اینکه ما هم در آشفتگی سیاسی هشت‌سال گذشته سهم داشتیم، با شما همراه هستم. اما اینکه تنها اصلاح‌طلبان مسوول ضعف تشکیلات و احزاب در کشور باشند را نمی‌پذیرم. از نظر من ضعف ما در موضوع احزاب به سه دلیل است؛ اول اینکه در جمهوری اسلامی هنوز احزاب جزیی از نظام و پازل سیاسی تلقی نمی‌شوند. احزاب عموما به‌عنوان پارازیت و عنصر مزاحم محسوب می‌شوند. تا نظام به احزاب سیاسی احساس نیاز نکند، آنها را جزیی از خود نداند امنیت لازم را نمی‌توان از احزاب انتظار داشت. اگر انتظار داریم که مردم در انتخابات شرکت کنند، آیا حضور سازمان‌یافته آنها را هم انتظار داریم؟ جواب به این سوال منفی است.

من یک پرانتز باز کنم، نمی‌شود که همه‌چیز را گردن نظام انداخت. من موافقم که رویکرد مناسبی به برخی احزاب اصلاح‌طلب؛ وجود نداشته است اما منهای این موضوع، خود احزاب نمی‌توانستند که با فعالیت جدی و کادرسازی جریان را به نفع خود تغییر دهند؟

حرف من کامل نشد. مساله دوم بحث قوانین و مقررات است، به خصوص قانون انتخابات که احزاب با آن سروکار دارند، گروه‌ها و تشکل‌ها در آن هیچ جایگاهی ندارند. یعنی فردی عضو حزبی باشد یا نباشد، تاییدیه یک حزب را داشته باشد یا نداشته باشد، این موضوع در قانون انتخابات دیده نشده است. شورای نگهبان هم فارغ از روابط تشکیلاتی این افراد، به بررسی صلاحیت‌ها می‌پردازد. این در حالی است که این کار در کشورهای دیگر توسط احزاب صورت می‌گیرد. آنها مراقبت می‌کنند تا افراد صاحب صلاحیت وارد مقوله انتخابات شوند. سومین نکته، حزب‌گریزی فعالان سیاسی و مردم ایران است که به یک فرهنگ تبدیل شده است. شما این جمله را خیلی شنیدید که مثلا یک فعال سیاسی بگوید «من وابسته به هیچ حزبی نیستم»، این حرف به قدری زننده است که مانند این است یک فرد در اجتماع بگوید که من خانواده ندارم. در چنین فضایی احزاب طبیعتا نمی‌توانند نقش لازم را ایفا کنند.

با همه این محدودیت‌ها که شما برشمردید، آیا احزاب می‌توانستند به‌گونه‌ای رفتار کنند تا دست‌کم علاقه‌مندان به کار سیاسی را جذب کنند.

حتما می‌شد. ما در دوره اصلاحات سه تجربه داریم. یکی تجربه شوراها بود که در آن موفق شدیم و به تجربه ماندگاری هم تبدیل شد. تجربه دیگر، یکی در حوزه گسترش و توسعه احزاب بود و دیگری در گسترش و توسعه در حوزه مطبوعات، که در این دو ناموفق بودیم. ما باید همانطور که در شوراها تشکیل و تداوم آن را به‌عنوان یک اقدام جامع و همراه با نظام تعریف کردیم، همانطور هم باید احزاب و توسعه آن و نیز توسعه مطبوعات را با این گرایش که مطبوعات و احزاب مکمل نظام تلقی بشوند، تعریف می‌کردیم، حتما موفق می‌شدیم.

احساس می‌کنم شما ناخودآگاه در این مباحث گریزی به دولت می‌زنید، من همه صحبت‌های شما را در مورد نگرش‌ها و قوانین مرتبط با احزاب می‌پذیرم. اما بحث من این است که خود احزاب کم‌کاری کرده‌اند. به‌عنوان نمونه همین حزب کارگزاران که سهم بزرگی در انتخابات ۷۶ داشته، چرا در سال‌های اصلاحات به گسترش کار تشکیلاتی فکر نکرده است. چرا به این فکر نکردید که به بدنه هوادار خود شکل بدهید یا شاخه‌های حزب را فعال کنید؟

من ضعف کارگزاران را در گذشته از شما می‌پذیرم. اما باید بگویم ما از ابتدا یک حزب میانه‌رو و معتدل تلقی می‌شدیم. اما جامعه سیاسی بعد از دوم خرداد جامعه رادیکالی شد و حرف‌های ما در آن زمان خریدار نداشت. بنابراین اگر ما می‌خواستیم بر کار تشکیلاتی خود اصرار داشته باشیم، در عوض بیشتر موقعیت‌های سیاسی و اجتماعی خود را از دست می‌دادیم. من به‌عنوان یکی از موسسان حزب کارگزاران در مجلس پنجم کاملا فعال بودم اما در مجلس ششم کاملا گوشه‌نشینی اختیار کرده بودم. چون جو رادیکال بود و من یا باید با دوستان دیگر بر سر تندروی مخالفت می‌کردم تا هوادار داشته باشم که این موضوع مشی ما نبود یا باید قافیه را واگذار می‌کردیم به دوستان رادیکال خودمان. ما مجبور بودیم در دوره‌ای فعالیت خود را کم‌رنگ کنیم تا جامعه از رادیکالیسم، تحریم و مقابله به مشارکت و انتخاب نسبی روی بیاورد. زمان زیادی برد تا رادیکال‌ترین دوستان ما در جبهه اصلاحات که به انتخاب حسن روحانی به‌عنوان نایب‌رییس مجلس پنجم به ما انتقاد می‌کردند، انتخابات ۹۲ به انتخاب آقای روحانی روی بیاورند. بنابراین نیاز بود جامعه سیاسی ایران این سرد و گرمی سیاسی را تجربه کند.

اما این دلیل نمی‌شود که شما بخواهید فتیله فعالیت حزب خود را پایین بکشید؟ به‌رغم انتقادات شما، اما فضای سیاسی پرشوری ایجاد شده بود و این فضا باعث شده بود تا احزاب با جان دیگری فعالیت‌های سیاسی و حزبی خود را پی بگیرند. شما می‌توانستید بدون آنکه وارد رقابت با آنچه تندروی می‌خواندید، شوید فعالیت خود را قوام ببخشید؟ شما از سال ۷۳ حزب تشکیل داده بودید و فضای اصلاحات این امکان را فراهم می‌کرد که بتوانید کار تشکیلاتی قوی‌تری را دنبال کنید؟

من انتقاد شما را می‌پذیرم. اما شما یادتان رفته که در همان سال‌ها دبیرکل ما زندان بود...

دبیرکل زندانی بود، فعالیت‌های حزب که به دبیرکل محدود نمی‌شود. شما می‌توانستید به فعالیت‌های حزبی خود ادامه بدهید. چون برداشتی که از کارگزاران وجود دارد، این است که این حزب خیلی تشکیلاتی عمل نمی‌کند. گویا یک عده دوست هستید که خودتان به نیرو و اراده خودتان کار را به پیش می‌برید و خیلی به گسترده‌شدن بدنه حزب نیازی ندارید؟

انتقاد شما را می‌پذیرم. به همین خاطر هم تجدیدنظر کرده‌ایم و مشغول بازسازی فعالیت‌های حزب هستیم.

آیا تا قبل از این، اعتقادی به گسترده‌شدن تشکیلات و ورود افراد جدید به حزب نداشتید و فکر می‌کردید که خودتان چند نفر می‌توانید برنامه‌های حزب را پیش ببرید؟

اساسا کارگزاران در یک دوره، بیشتر شبیه یک نهضت بود تا یک حزب سازمان‌یافته. بیشتر به یک نیروی فکری پیش‌برنده به کشور فکر می‌کردیم که بر شاخص‌های کشور اثر بگذارد و راه‌هایی را برای پیشرفت کشور پیشنهاد بدهد. ما بیشتر یک حزب تکنوکراتی بودیم تا یک حزب اجتماعی و سیاسی. الان فکر می‌کنیم که شرایط برای تبدیل‌شدن کارگزاران به یک حزب تمام‌عیار فراهم است.

یعنی در این سال‌ها فراهم نبود؟

نه. ضمن اینکه این آمادگی در درون حزب و همین‌طور موسسان هم وجود نداشت.

چرا؟ چه نگاهی غالب بود که فکر می‌کردید خودتان برای حزب کفایت می‌کنید؟

موقعیت کارگزاران طوری بود که فکر می‌کردند در همه شرایط، به غیر از شرایط هشت‌ساله احمدی‌نژاد، می‌توانستند نقش خود را در مجلس و دولت حفظ کنند. نیروهایی بودند که شخصیت‌های قابلی در آنجا جمع بود و هر جناحی که پیروز می‌شد به توانایی و مدیریت کارگزاران نیاز داشت.

شاید هم به‌خاطر ارتباطاتی که کارگزاران داشت؟

ارتباط نه، توانایی.

شما به نقش ارتباط قایل نیستید؟ اینکه حزب به آقای هاشمی منصوب می‌شود یا آنکه فرزندان آقای هاشمی در حزب هستند؟

این هم موثر است، اما نه آنقدر که توانایی خود افراد موثر است. مثلا آقای جهانگیری معاون اول آقای روحانی شده‌اند. این انتخاب نه به خاطر رابطه، بلکه به خاطر توانایی، سابقه و مقبولیت ایشان، هم در بین اصلاح‌طلبان و هم نیروهای معتدل و میانه‌رو اصولگرایان است. این جایگاه شخصی اعضای شورای مرکزی و هیات موسس و این موقعیت، آنها را بی‌نیاز می‌کرد از اینکه بخواهند به سمت جمع‌کردن عِده و عُده اجتماعی باشند.

این به لحاظ تفکر حزبی، تفکر درستی نیست؟

نه.

این نحوه تفکر الان اصلاح شده است؟

تجربه این هشت‌سال خیلی چیزها را به همه فهمانده است.

برخی منتقدان، کارگزاران را معمولا یک گروه محفلی می‌دانند تا یک حزب به معنای واقعی. مثلا در آستانه هر انتخاباتی دور هم جمع و بعد از آن هم دوباره پراکنده می‌شوند. آنان می‌گویند در طول این سال‌ها هم اراده‌ای در کار نبوده تا تشکیلات کارگزاران را به لحاظ کار جمعی گسترش دهد. انتخابات ۲۴ خرداد چه چیزی را تغییر داد که الان کارگزاران به فکر کار تشکیلاتی و کادرسازی افتاده است؟

این به دلیل نیازی است که الان کشور به تحزب احساس می‌کند. از سوی دیگر علاقه‌ای که در مردم و جوانان برای عضویت در احزاب و تشکل‌ها به وجود آمده، باعث شد که حزب تشویق شود.

ببینید، اگر حزب برای به‌دست‌آوردن قدرت به فکر گسترده‌شدن تشکیلات افتاده است، که این موضوع تقریبا به غیر از دوره احمدی‌نژاد برای کارگزاران محقق شده بود و الان هم یکی از اعضای حزب به‌عنوان بلند پایه‌ترین مقام بعد از رییس‌جمهور سمت گرفته است، پس دلیل واقعی برای کار تشکیلاتی چیست؟

نیاز جامعه و علاقه جوانان.

یعنی تا قبل از آن این نیاز احساس نمی‌شد؟

نه. این گرایش این قدر قوی نبود.

گرایش به حزب کارگزاران یا احزاب؟

علاقه به کارگزاران و علاقه به احزاب این قدر نبود.

الان در چه شرایطی هستید و حزب را چگونه قرار است بازسازی کنید؟

هم‌اکنون حزب در حال تجدید سازمان است. این بازسازی از شورای مرکزی شروع شده و به کمیته‌ها و کانون‌ها رسیده و قرار است نیروهای قبلی بازیافت شده و بعد هم عضوگیری جدید انجام شود.

ادامه در صفحه ۱۴

نگاه

منتجب‌نیا:

برخی، از واژه «فتنه» نان می‌خورند

● **ایلنا:** رسول منتجب‌نیا با اشاره به مسایل سال ۸۸ و اینکه «عده‌ای تلاش می‌کنند هرروز بر این مساله دامن بزنند»، گفت: «قوه‌قضاییه تنها مرجعی است که باید در این زمینه حکم دهد، وقتی اصل بر برائت است امروز متاسفانه هرکس می‌خواهد از حق دفاع کند، از سوی این عده متهم به اصحاب فتنه می‌شود.»

این فعال سیاسی اصلاح‌طلب با بیان اینکه «استفاده از کلید واژه «فتنه» به ابزاری برای تسویه‌حساب و نان‌خوردن گروه‌هایی تبدیل شده است»، گفت: «تا چه زمانی ما باید شاهد چنین دکان‌بازی‌هایی باشیم. امیدواریم قوه قضاییه با این مساله برخورد کند. اگر قرار است برخوردی با کسی صورت گیرد، باید به شکل شفاف اعلام شود. او افزود: «یکی از وظایف قوه‌قضاییه پیشگیری از وقوع جرم است. بنابراین باید با این جرم بین و آشکار که تهمت‌زدن به دیگران است، برخورد کرد.»

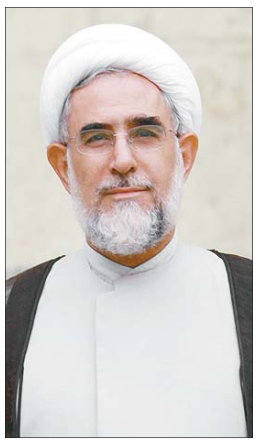

منتجب‌نیا ادامه داد: «صرف‌نظر از افرادی که محبوس یا در حصر هستند، متاسفانه روی برخی از افرادی که آزادانه زندگی می‌کنند نیز علامت سوال‌هایی از سوی برخی گذاشته شده است.

این فعال سیاسی اصلاح‌طلب گفت: «مقامات عالی کشور نباید بگذارند عده‌ای تندرو صف منسجم مردم را به‌هم بزنند. نباید اختلافات سیاسیون به مردم سرایت کند. برای جلوگیری از این مساله و ثبات امنیت و آرامش راهی جز بستن دهان هتاکان نیست.»

منتجب‌نیا در بخش دیگر سخنانش با اشاره به روی‌کارآمدن دولت روحانی با استفاده از نیروهای معتدل و شعار اعتدال یادآور شد: «هرچند که برخی از اصلاح‌طلبان نیز از حضور کمرنگ خود در دولت انتقاد دارند، اما ما همواره به آنها می‌گوییم که چون شعار دولت اعتدال است اجازه بدهید که از همه نیروها استفاده شود تا در کشور آرامش ایجاد شود. حتی در این شرایط هم روزی وجود ندارد که این گروه تندرو چندین حاشیه و مساله برای دولت ایجاد نکنند.»

این فعال سیاسی اصلاح‌طلب با تاکید بر اینکه افراطیون با عناوین مختلف اغلب از بودجه بیت‌المال ارتزاق می‌کنند، گفت: «گروه‌های تندرو دشمن امنیت و آرامش در کشور هستند، آنها زندگی‌شان با آشفته‌کردن خواب مردم می‌گذرد و به‌قول یکی از نمایندگان مجلس کاسبکار هستند.»

یادداشت

آزادی احزاب به مثابه حقوق شهروندی

فرشید هکی
مدرس دانشگاه

سخنگوی وزارت کشور ۳۰خرداد۹۳ در گفت‌وگویی از بررسی پرونده‌های احزاب متقاضی تاسیس خبر داد که خود این خبر نشان از اراده ایشان برای نگاهی دوباره به مسایل تاسیس احزاب در ایران دارد. در این نوشتار به برخی نکات در موضوع اهمیت آزادی احزاب، به مثابه حقوق شهروندی اشاره می‌شود.

۱- مطابق اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، احزاب و جمعیت‌های سیاسی آزادند و هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد. قیود و استثنائات این حق شهروندی در ذیل همان اصل و ماده۷ قانون احزاب به‌طور حصری احصا شده است. بر این اساس، آزادی احزاب به عدم‌نقض اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی مشروط شده است. همچنین به موجب ماده ۷ قانون احزاب، وابستگان رژیم سلطنتی و همچنین کسانی که مطابق احکام قطعی دادگاه‌ها از حقوق اجتماعی محروم شده‌اند، از حق تاسیس حزب سیاسی محرومند. بنابر قاعده منطقی و حقوقی «دلالت مفهوم مختلف» واضح است شهروندانی که شرایط مذکور در قانون را داشته باشند، حق دارند نسبت به تاسیس حزب سیاسی اقدام کنند.

۲- آزادی بیان و آزادی‌های گروهی: هر شخص حق دارد از آزادی تشکیل اجتماعات، مجامع و انجمن‌های مسالمت‌آمیز بهره‌مند شود. آزادی‌های گروهی عبارت از این است که افراد انسانی بتوانند در جهت افکار و عقاید خود، به‌طور آزادانه و مسالمت‌آمیز، دورهم گرد آیند. آزادی‌های گروهی، ادامه منطقی و جمعی آزادی بیان و اندیشه و در عین حال بهترین ابزار و ضمانت اجرا در جهت تحقق عدالت، پیشرفت، آزادی و حقوق شهروندی است.

۳- اقتصاد سیاسی احزاب: تشکل، یعنی حرکت جمعی مستمر گروهی از افراد با خصیصه سازمانی و نهادی که حول آرمان، اهداف و برنامه‌های فکری و عقیدتی مشترک دور هم گرد می‌آیند. احزاب سیاسی جامعه همواره باید بهترین خدمات را به جامعه ارایه کنند چراکه در غیر این‌صورت با گروه دیگری که برنامه‌های بهتری ارایه کرده‌اند و مدعی مدیریت بهتری هستند، جایگزین خواهند شد و این رویه، همواره ادامه دارد تا همواره بهترین و شایسته‌ترین‌ها، امکان نمایندگی اراده مردم را برای مدیریت امور برعهده داشته باشند.

احزاب سیاسی شکل خاصی از سازماندهی نیروهای اجتماعی هستند که به‌عنوان حلقه پیوند میان مطالبات و منافع توده‌های مردم و نهادهای تصمیم‌گیری سیاسی و مدیریتی عمل می‌کنند. حزب سیاسی که مبتنی بر گفتمان، سازماندهی، رهبری و برنامه‌های مشخص است، مفهومی اساسا نوین است. حزب سیاسی عبارت است از یک سازمان سیاسی که در آن طرفداران یک آرمان مشترک، با تشکیلاتی منظم، گردهمایی پایداری تشکیل می‌دهند و علی‌القاعده، آگاه‌ترین عناصر یک طبقه یا اقشار اجتماعی متحدالمنافع در آن گرد می‌آیند. حزب سیاسی بیانگر آرمان‌ها و منافع آن طبقه یا قشر یا نیروی اجتماعی و مردمی است و آن نیروی اجتماعی را در مسایل و مطالبات اجتماعی رهبری می‌کند.

بنابراین، حزب سیاسی یعنی با هم تلاش کردن برای حل مسایل مردم، به صورتی کارشناسی و تخصصی، و اگر احزاب سیاسی این نقش خود را به درستی انجام ندهند یا اساسا موجودیت به مفهوم واقعی نداشته باشند، این باندها و محفل‌های بی‌شناسنامه یا غیرمسوول هستند که بر اساس شبکه‌های قدرت و ثروت و دور از چشم مردم، در پشت درهای بسته، تصمیم می‌گیرند و سرنوشت مردم را تعیین می‌کنند. در واقع، نداشتن حزب، یعنی قدرت‌دادن به محفل‌های سیاسی و سیاست‌بازانی که به صورتی غیرشفاف و بدون‌برنامه، با جناح‌بازی و باندبازی، منافع خود را تامین می‌کنند.

۴- آزادی احزاب و مدیریت علمی: هیچ کشور پیشرفته‌ای در جهان وجود ندارد که احزاب نیرومند نداشته باشد. احزاب در کشورهای پیشرفته، کارخانه تولید برنامه و مدیران سیاسی هستند که علاوه بر بالابردن سطح سواد اجتماعی مردم، به‌صورتی تخصصی برای حل مسایل جامعه، برنامه می‌دهند و نیروهای اجتماعی طرفدار آنها (اعضایشان)، بر آنها نظارت و از آنها حمایت می‌کنند تا خود سرنوشت‌شان را رقم بزنند و از حقوق‌شان دفاع کنند. پیش‌نیاز پیشرفت هر جامعه‌ای در جهان شبکه‌ای و پیچیده جدید، وجود احزاب قوی و فراگیر است و بن‌بست‌شکنی حرکت به پیشرفت و حل مشکلات جامعه، در گرو وجود احزاب سیاسی علمی، مدیریتی و فراگیر است که سیاست را مدیریت علمی در جهت حل مشکلات زندگی تعریف و عمل کنند.

۵- ناظر به پرسش درباره گرایش‌های سیاسی احزاب متقاضی تاسیس، حزب پیشتازان عدالت هدف خود را عدالت‌خواهی و حق‌طلبی با رودیکرد قانونگرایی اعلام کرده است.

۶- من به شخصه در سال‌های گذشته با عناوین مختلف درخواست مجوز تاسیس به هیات موسس‌های متفاوت داده‌ام و در حالی که این درخواست از تمامی شرایط قانونی لازم برخوردار بوده، متاسفانه کمیسیون ماده ۱۰ احزاب، بدون ذکر هیچ دلیل و مستند قانونی از صدور مجوز امتناع کرده است. اما ما خویشتنداری و قانون‌مداری را پیشه کردیم تا فرهنگ تحزب و قانونگرایی در ایران عزیزمان نهادینه شود. این‌بار نیز پس از گذشت حدود یک‌سال از ارسال پرونده برای وزارت کشور، (برخلاف بازه‌های زمانی مقرره در قانون)، باز هم منتظریم تا همه بر اساس قانون عمل کنند.